



خسارت جبران ناپذیر



بررسی اثرات عدم حضور روحانیت در مجموعه های فرهنگی

اللهم صل على محمد

حضور روحانیت در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایرانیان هم مبتنی بر بنیان‌های ایدئولوژیک یعنی رابطه امت با امام و پیشوای مذهبی است و هم طی سده‌های اخیر به واسطه نقش غیرقابل انکار در راه‌گشایی مسائل اجتماعی که مستظهر به آبرو و سرمایه معنوی روحانیت و اخلاق و کردار مقبول آنها در سطح جامعه بوده، تبیین می‌شود. نمود ظاهری آن بنیاد عقیدتی مبنی بر پیروی از پیشوایان مذهبی در اقتدا به ائمه جماعات در مسجد بروز و ظهور داشته است. مساجد از دیرباز، پایگاه اصلی روحانیت و مکانی جهت اجرای فرایض دینی اعم از نماز جماعت، نماز جمعه، لیالی قدر و اعتکاف بوده‌اند. روحانیت به سبب نقش امامت جماعت، رابطه‌ای فوق دیگر نقش‌های اجتماعی با امت اسلامی داشته است. همین نکته مبین مسأله دوم یعنی نقش کارکردگرایانه روحانیون در زندگی مردم می‌باشد که مستندات تاریخی و اجتماعی فراوانی در این باب وجود دارد. یک روحانی مسجد نه فقط یک مقتدا جهت اقامه نماز بلکه ریش سفید، بزرگ‌تر، حلال مجادلات، عاقد خطبه‌های عقد و طلاق، محاسبه‌گر خمس و زکات و مواردی در این شمار نیز بوده است. این رابطه دوطرفه در اندیشه اسلامی نمود روشنی دارد. امت، بی‌امام به انحراف می‌رود و امام، بی‌امت؛ تنها و بی‌یاور است. روحانیون به عنوان عالمان و عاملان به دین در ابعاد مختلف دین‌داری، از آموزش در اصول و فروع دین به خصوص با توجه به اهمیت اعمال و مناسک دینی نزد مردم، تا هدایت در طی طریق رستگاری و تدریس اخلاق و عرفان و زهد و تقوا، نقشی به سزا ایفا می‌کردند. باید اذعان کرد حوزه‌های علمیه به عنوان یک نهاد اجتماعی مؤثر و قدرت‌مند برآمده از متن فرهنگ دینی جامعه ایرانی، در طول حیات دیرینه و کهن خویش در سده‌های اخیر ضمن تعامل پویا با اقشار گوناگون مردم، همواره افزون بر پاسخگویی به نیازها و مسائل دینی، گره‌گشای مشکلات و مسائل اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی آنها هم بوده است.

در نتیجه این حضور مؤثر و اعتمادزا، نهاد روحانیت و به ویژه علمای اعلام و مراجع تقلید، همواره نقش مهم و تأثیرگذاری در پیشبرد تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ایفا کرده‌اند. این نقش در دوران معاصر و در جریان وقوع رخدادهایی همچون نهضت تنباکو، نهضت مشروطیت، نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و قیام پانزدهم خرداد برجسته‌تر شد و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری عالمان و فقیهان مبارز و سپس برقراری نظام مردم‌سالاری دینی با محوریت ولایت فقیه، تبلور و اهمیت فزاینده‌ای یافته است. به بیان دیگر همین مرجعیت فقهی، دینی، فرهنگی و اجتماعی اقشار متدین، سنتی و حتی بخش‌های مؤثری از جوانان و دانشجویان سبب‌ساز گسترش نهضت اسلامی و سرانجام پیروزی انقلاب اسلامی شد. بنابراین بسیاری از پژوهشگران و محققان علوم اجتماعی با گرایش‌های گوناگون سیاسی و علمی، اذعان دارند که حضور روحانیت در عرصه‌های عمومی از عوامل اساسی پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم حیات جمهوری اسلامی بوده است.

برای مثال احمد رضا شاه‌علی در مقاله «راهبرد حکومتی امام خمینی در مقایسه با رهبران روحانی مشروطه» منتشره در «پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی» یادآور می‌شود: «بررسی شرایط و وضعیت سیاسی اجتماعی کشور ایران به خوبی نشان می‌دهد که نهاد روحانیت در جریان نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی نقشی مهم بر عهده داشته و همان‌طور که رهبری و زعامت قیام‌های مردمی و اعتراضات عمومی بر ضد حاکمان ظالم و مستبد را در طول تاریخ ایران بر عهده داشته، رهبری و هدایت این دو نهضت ضد استبدادی را نیز بر عهده گرفته است. دو واقعه قیام مشروطه و انقلاب اسلامی از جمله نقاط عطف تاریخ ایران بوده‌اند که نقش آفرینی برجسته روحانیت در آنها غیرقابل انکار است». نعمت‌الله کرم‌الهی نیز در مقاله علمی‌پژوهشی «حوزه علمیه، نظام اسلامی و حضور روحانیت در عرصه سیاست» منتشره در فصل‌نامه «معرفت سیاسی» با اشاره به ارتباط حوزه علمیه با نظام اسلامی به بررسی دیدگاه طلاب نسبت به چگونگی ارتباط با نظام و هم‌چنین نحوه حضور روحانیت در مسائل اجتماعی می‌پردازد. وی با پیمایش یک نمونه‌برداری از طلاب حوزه علمیه قم نسبت به این مسائل می‌نویسد: «۹۷ درصد پاسخ‌گویان با ضرورت حضور روحانیت در متن تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. ۹۳ درصد بی‌تفاوتی روحانیت در قبال مسائل سیاسی جامعه را موجب آسیب رسیدن به دین تلقی کرده‌اند». به همین جهت، اکنون نیز در بحبوحه تهاجم فرهنگی و در شرایطی که دشمن ابزارهای مختلف تکنولوژیک و ایدئولوژیک برای تغییر سبک زندگی، گرایش‌ها و سلاقی رفتاری جامعه ایران به میدان آمده، نیاز به تدوین راهبردهای مؤثرتر، استفاده از ابزارهای کارآمدتر و حضور نیروهای انسانی متخصص و متعهدتر در عرصه فرهنگی، اهمیت روزافزون می‌یابد.

ولی برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد منزلت اجتماعی روحانیت در سال‌های اخیر و در میان نسل‌های جوان و پرسش‌گر نسبتاً کاهش یافته و با تداوم این روند و پایان دوران نسل‌های کهنسال و پیشین که هنوز روحانیون و طلاب را معتمد خویش می‌دانند، محتملاً شاهد روند کاهشی نقش آفرینی جمعی و مردمی مجتهدان و عالمان و کارشناسان دینی خواهیم بود. دکتر خدیجه سفری، استاد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء (س) طی مقاله علمی‌پژوهشی «بررسی رابطه تفکر انتقادی و میزان و زمینه تبعیت از گروه‌های مرجع دینی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های تهران» با یک پیمایش آماری میان بخشی از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران، به این نتیجه رسیده است که «خرده تفکرات کنجکاوی و ذهن باز، رابطه‌ای منفی با تبعیت از روحانیت دارد و بین تفکر انتقادی با مراجعه دانشجویان به متخصصان دینی غیرروحانی رابطه مثبتی وجود دارد». معنای دیگر این تعبیر این است که نسل جدید به سبب پرسش‌گری و رویکرد رادیکال به سنت‌ها و رسوم کهن، تمایل کمتری به پیروی از مناسبات اجتماعی قبلی و پیروی از روحانیون به مثابه مراجع اجتماعی دارد. زیرا روحانیون و فقیهان را پاسبان سنت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌بیند و فقدان رویکردهای بدیع و نو به مسائل اجتماعی در بخش‌های مؤثر و مشهور حوزه‌ها و مدارس علمیه نیز سبب شده این رویکرد تقویت گردد. او با توجه به پیمایش‌های آماری تأکید می‌کند: «منزلت روحانیون به خصوص بین جوانان رو به افول است».

در این گزارش قصد نداریم به دلایل این افتراق و جدایی پردازیم ولی از باب مثال می‌توان به مواردی چند اشاره داشت. این جدایی ممکن است به سبب رفتارهای بعضی روحانیون بوده باشد. نگاه از موضع بالا و خودبرتری به سبب تسلط بر منابع دینی و همچنین افزایش قدرت سیاسی منتج از پیروزی انقلاب اسلامی از مواردی است که محتمل است موجب رفتار غرورآمیز برخی طلاب یا روحانیون در مواجهه با فعالان فرهنگی و اجتماعی بوده باشد. رفتاری که به تدریج سبب دوری‌گزینی مجموعه‌های فرهنگی از ارتباط‌گیری با روحانیون شده است. رهبری معظم انقلاب اسلامی طی سخنانی به تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۹۰ در این باره می‌فرمایند: «روحانیون بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته اساسی این است که این ورود روحانی در مسائل اجتماعی باید ورود همراه با روحانیت باشد، نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد، دیگر فایده‌ای ندارد. خصوصیت روحانی این است که با روحانیت، با اخلاق، با نصیحت، با ارائه‌ی راه، اطراف قضیه را آگاه کند، مشتاق کند، قانع کند، به یک کاری وادار شوند». هم‌چنین ممکن است به دلیل اشتغالات درسی و فقهی روحانیت و تمرکز بر تدریس و تحصیل در مدارس علمیه، فعالیت‌های فرهنگی را از اولویت‌های خود کاسته باشند. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که مشاهده بعضی رفتارهای زننده و نامتعارف از سوی تعدادی از فعالان فرهنگی باعث انزجار و ناراحتی روحانیون شده و آنها را از تداوم ارتباط یا حضور مؤثر و تشکیلاتی در این مجموعه‌ها بازداشته باشد. با این حال، این دلایل هر چه باشند، بی‌شک تأثیر منفی بر موقعیت فعال جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی خواهد گذاشت.

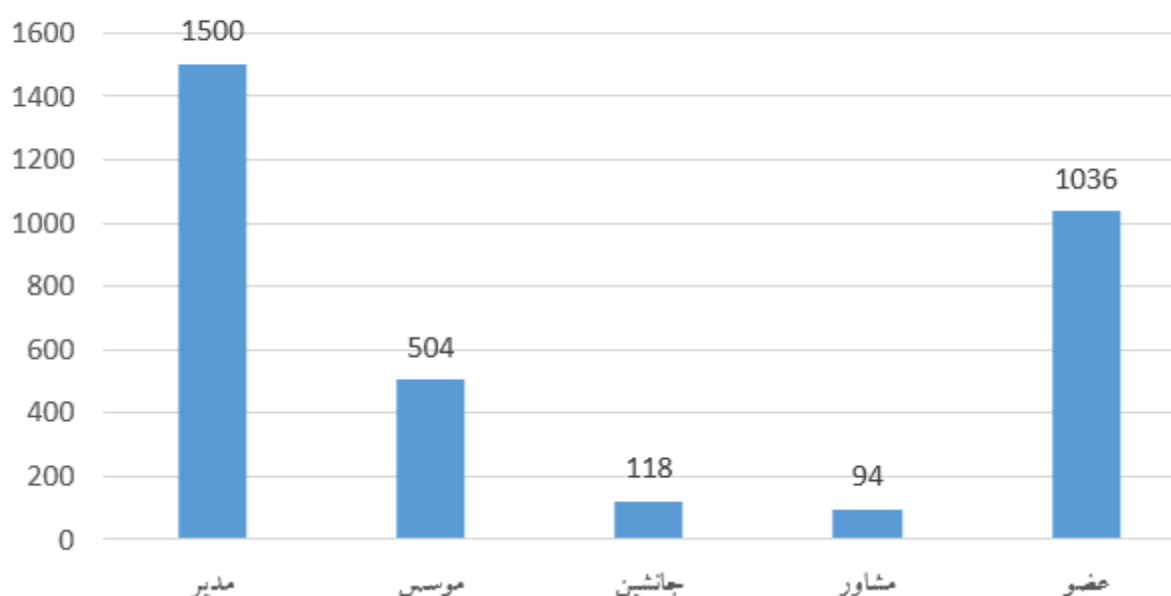
روحانیون فعال

بر مبنای اطلاعات «سامانه شهید باقری» از مجموع ۹۷۵۵۶ فعال جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی که مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، ۶۲۲۱ نفر معادل ۶,۳٪ روحانی هستند. پراکندگی استانی ۶۱۲۴ نفر از روحانیون نیز به این شکل می‌باشد.

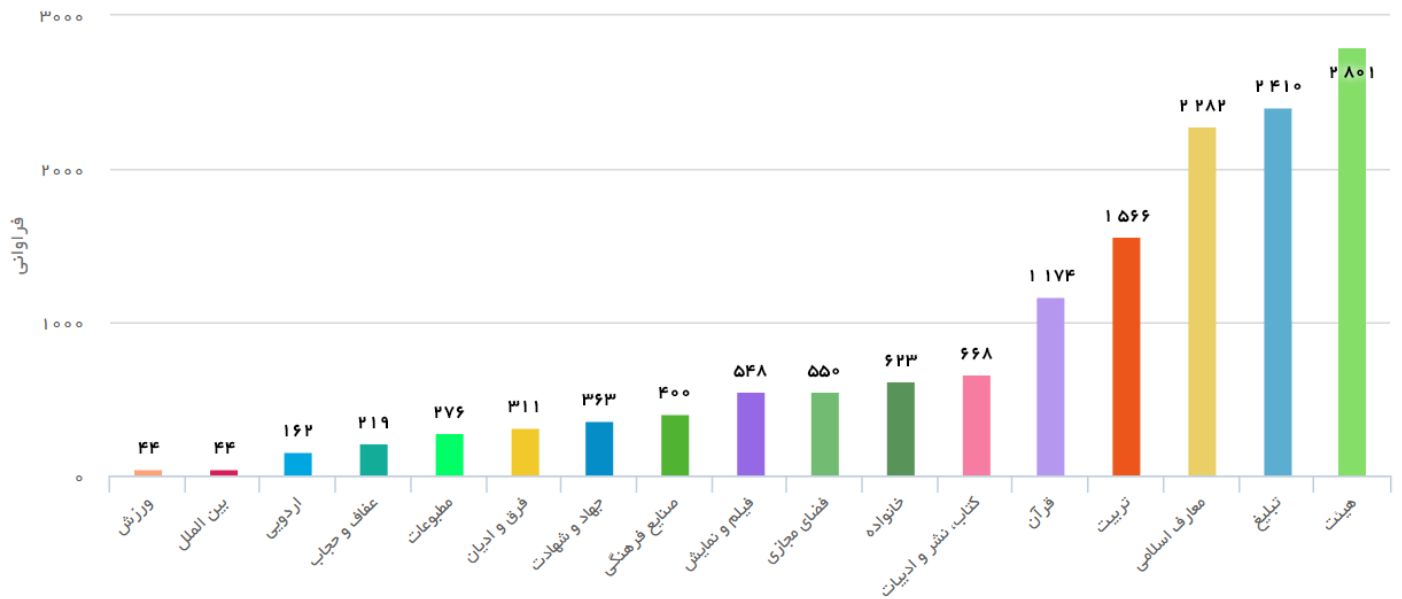
قم	آذربایجان شرقی	خوزستان	البرز	تهران	اصفهان	همدان	کرمان	هرمزگان	یزد
۱۳۱۴	۵۰۹	۴۳۶	۳۸۵	۳۵۶	۲۹۳	۲۷۴	۲۴۸	۲۲۵	۲۱۶
بوشهر	مازندران	لرستان	فارس	گیلان	سمنان	زنجان	خراسان رضوی	مرکزی	کرمانشاه
۲۱۱	۲۰۲	۱۹۸	۱۹۴	۱۷۶	۱۶۶	۱۶۲	۱۴۶	۱۲۹	۱۱۵
گلستان	ایلام	سیستان و بلوچستان	چهارمحال و بختیاری	اردبیل	آذربایجان غربی	قزوین	خراسان شمالی	خراسان جنوبی	کهگیلویه و بویراحمد
۱۰۸	۹۷	۹۱	۸۲	۸۱	۸۰	۷۳	۶۶	۶۴	۴۸
کردستان									
۱۸									

نسبت ارتباط ۱۹۴۴ تن از این روحانیون با مجموعه‌های فرهنگی به شکل زیر است.

میزان حضور روحانیت در مجموعه‌های فرهنگی



تفکیک تخصص‌های فرهنگی بخشی از این روحانیون نیز به این ترتیب است.



منبع: سامانه شهید حسن باقری

- از میان ۱۴۸۵۸ مجموعه، ۱۳۵۷ مجموعه معادل ۹,۱٪ با مدیریت روحانیون اداره می‌شود.
- از میان ۳۹۵۸ هیئت، مدیریت ۲۲۹ هیئت معادل ۵,۷٪ بر عهده روحانیون است.
- از میان ۲۰۳۰ تشکل قرآنی، مدیریت ۱۰۹ تشکل معادل ۵,۳٪ بر عهده روحانیون است.
- از میان ۶۲۲۱ روحانی، ۱۰۳۶ نفر معادل ۱۶,۶٪ عضو مجموعه‌های فرهنگی مردمی هستند.

مطابق آمار تحقیق «مشکلات فعالیت‌های فرهنگی از نگاه فعالان فرهنگی - طرح شهید افشار» تعدادی از فعالان فرهنگی استان‌های زیر، فقدان حضور روحانیون در فعالیت‌های فرهنگی را از مهم‌ترین مشکل اجتماعی استان مد نظر قلمداد کرده‌اند که این میزان به درصد ذکر شده است.

استان	درصد فعالان فرهنگی	استان	درصد فعالان فرهنگی
چهارمحال و بختیاری	۱۶,۷٪	گلستان	۱۳,۴٪
ایلام	۱۳,۲٪	کهگلویه و بویراحمد	۱۲٪
فارس	۹,۷٪	کرمانشاه	۹,۳٪
بوشهر	۷,۸٪	لرستان	۷,۱٪
کرمان	۶,۵٪	خوزستان	۵,۸٪
یزد	۵,۶٪		

ضرورت حضور روحانیت

با توجه به نکات فوق، ضرورت حضور روحانیت در مجموعه‌های فرهنگی بیش از پیش اهمیت می‌یابد. زیرا روحانیون به مثابه آموزگارانی مسلط بر منابع دینی و متخلق به رفتار اسلامی، نقشی انکارناپذیر در حفظ بنیان‌های عقیدتی فعالان فرهنگی و پیشگیری از بروز انحراف‌های فکری و رفتاری دارند. شایان ذکر است که اجتناب از بهره‌مندی نسبت به سرچشمه‌های اصلی علوم اسلامی و فقدان مشورت با مجتهدان و عالمان، آسیب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مهمی در تاریخ معاصر بر جای گذاشته است. یکی از نمونه‌های فاجعه‌بار آن، انحراف ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود. گروهی که بسیاری از روحانیون مبارز و حتی جمعی از پیروان امام خمینی نیز بر صلاحیت و شایستگی‌های علمی و عملی‌شان صحه گذاشته بودند، به سبب فقدان دسترسی به تفکر اجتهادی از یک سو و هم‌چنین از سوی دیگر تفسیر به رأی متون اسلامی مانند قرآن و نهج‌البلاغه، قدم در مسیر تباهی و سیاهی گذاشت. به همین جهت لازم است نسبت به حضور مؤثر روحانیت در مجموعه‌های فرهنگی و اجتماعی جهت پابندی گروه‌های حاضر در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به راه و اهداف از پیش تعیین شده، حساس باشیم.

این سخن به خصوص درباره مجموعه‌هایی که در حوزه‌هایی مانند نصوص دینی (قرآن، سیره اهل بیت) و یا موضوعاتی هم‌چون تاریخ صدر اسلام فعالیت دارند، لزوم بیشتری دارد. بعضی مجموعه‌ها یا عرصه‌های فعالیت‌های فرهنگی جریان مذهبی و انقلابی مانند هیأت مذهبی، تشکل‌های قرآنی و امثالهم به جهت نوع مخاطب و محتوای فعالیت نیازمند مراقبت و حساسیت بیشتری هستند. این نکته نافی ضرورت و اهمیت حضور مؤثر روحانیون و عالمان دینی در فعالیت‌هایی مانند امور جهادی و خیریه؛ فضای مجازی؛ صنایع فرهنگی؛ ادبیات و سینما و امثال این موارد نیست. ولی بروز هرگونه انحراف و کج‌روی در برخی موضوعات به جهت ارتباط وثیقی که با بنیان‌های اعتقادی جامعه دارند، هزینه‌های فرهنگی و اجتماعی بسیاری بر جای خواهد گذاشت. جدایی روحانیت از این مجموعه‌ها و پیدایش مرجعیت فکری غیرفقهی برای اعضایشان، نه فقط مخاطبان این مجموعه‌ها را دچار سردرگمی و غفلت خواهد کرد بلکه به سبب نمود عینی ظهور و بروز فعالیت این مجموعه‌ها در سطح جامعه به عنوان نمونه‌هایی از مجموعه‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، باعث بدنامی جریان انقلابی و ایجاد فضایی جهت مانور جنگ روانی دشمن می‌شود. بنابراین، آسیب‌های ناشی از فقدان نظارت و هدایت تشکل‌های مذهبی از سوی روحانیت، نه فقط این گروه‌ها بلکه جامعه دینی و اقشار مذهبی غیرعضو را نیز گرفتار خواهد کرد. پس لزوم بررسی میزان و نوع حضور روحانیت در مجموعه‌های فرهنگی مشخص می‌شود. در این گزارش سعی می‌شود با استناد به داده‌های شناسایی‌شده «سامانه شهید باقری» حساسیت لازم بر این مسأله در ذهن مسئولان امر مورد توجه بیشتری قرار گیرد و با هماهنگی با مجموعه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط، نسبت به رفع آسیب‌های جاری و جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و غفلت‌های مکرر در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، اقدام مؤثری صورت بگیرد.

لازم به ذکر است که رهبری معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای بارها بر ضرورت فعالیت‌های اجتماعی طلاب و علما در بین اقشار جامعه تأکید کرده‌اند. برای مثال طی دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری به تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۹۳ فرمودند: «هیچ چیزی؛ حتی صداوسیما که یک رسانه فراگیر است، نمی‌تواند جای ارتباط مستقیم علما و متفکرین دینی را با مردم بگیرد». مقام معظم رهبری، آبروی روحانیت را یک سرمایه اجتماعی ارزشمند و کارآمد می‌داند و عنوان نموده‌اند: «بنده مکرر عرض کرده‌ام که ما نباید خیال کنیم آبروی نسل فعلی روحانیت موجب این شد که مردم به سمت انقلاب اسلامی گرایش پیدا کنند. نه؛ این اشتباه است. بلکه آبروی هزار ساله روحانیت، که یک ذخیره تمام‌نشدنی بود، موجب این پیروزی‌ها و موفقیت‌ها گردید. این آبروی هزارساله، عبارت است از آن اعتباری که در طول قرن‌های متمادی، از علم و تقوای علمای بزرگ به دست آمده است». ایشان پیش‌زمینه این ارتباط مؤثر را زیست‌طلبگی و برخورد روحانی و معنوی با مردم عنوان می‌کنند. به همین جهت نسبت به حفظ این سرمایه اجتماعی تأکید دارند: «اگر امروز که دین و روحانیت، قدرت پیدا کرده است، عملی انجام بدهیم که - خدای نکرده - اندک اختلال و خدشه‌یی در آن سرمایه و ذخیره‌ی قرن‌ها به وجود بیاید، ضایعه‌یی خواهد بود که دیگر جبران آن، با یک نسل و دو نسل ممکن نخواهد بود. سرمایه یک نسل مصرف نشد تا اگر - خدای نکرده - از بین رفت، یک نسل دیگر بیایند و این سرمایه را دوباره تجدید کنند. ایمان مردم به روحانیت، ناشی از سابقه طولانی روحانیت شیعه و نفوذ و تأثیر آنها در ذهن و ایمان مردم است. ما باید این ایمان را حفظ کنیم. امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوءاستفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود».

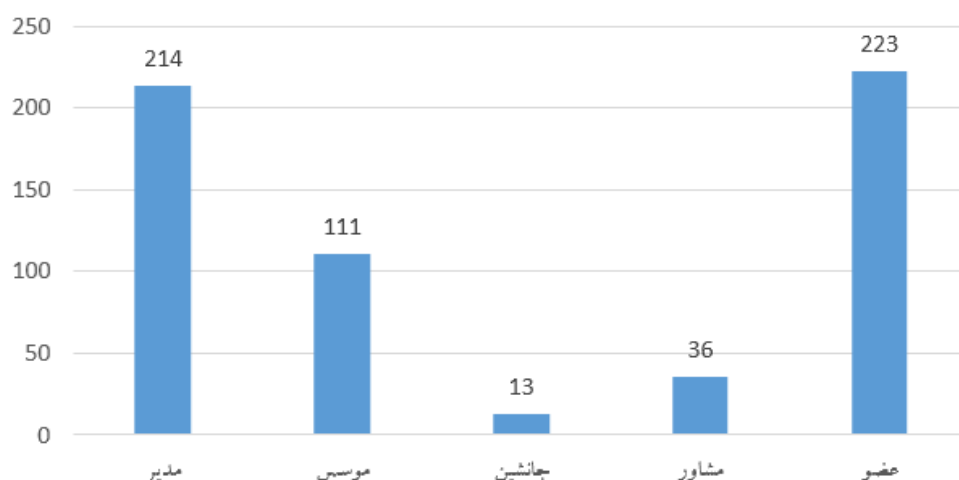
این جبران‌ناپذیر بودن لطمه فقدان حضور مؤثر و مردمی روحانیت از جمله مواردی است که در این گزارش به واسطه مردمی بودن تشکلهای فرهنگی (به خصوص هیأت مذهبی و تشکلهای قرآنی)، به آن پرداخته می‌شود. مدیریت و نظارت مؤثر و همه‌جانبه و نسبتاً تمام‌وقت در این مجموعه‌ها زمینه ارتباط‌گیری و اتصال بیشتر و بهتر روحانیت با نوجوانان و جوانان را که نسل آتی و قشر فعال کشور هستند، فراهم می‌کند. این حضور هم‌چنین مقدمه حضور اجتماعی‌تر روحانیت و طلاب در سطح مجامع عمومی و محافل مردمی مانند جلسات خیریه، میان‌جی‌گری و حل اختلاف و مانند این‌ها نیز می‌باشد. بنابراین با توجه به بیانات امام خامنه‌ای باید نسبت به کاهش منزلت اجتماعی علمای دینی به شدت هشیار بود.

آسیب‌های فقدان حضور روحانیت در هیأت و تشکل‌های قرآنی

در زندگی اجتماعی امروز، تشکل‌های مذهبی مهم‌ترین نمود حضور مدنی روحانیون می‌باشند. به استثنای امامت جماعت مساجد، سخنرانی در مجالس عزا یا شادی اهل بیت به سبب ارادت و علاقه بالای اجتماعی مردم ایران به آن بزرگواران، محل مهمی برای ابراز نظرات و اندیشه‌های حوزویان محسوب شده است. ارتباط دوسویه هیئت‌ها با روحانیون سابقه‌ای دیرینه دارد. برای مثال، از قدیمی‌ترین هیأت تهران می‌توان به هیئت «محبان حسین (ع)» اشاره کرد که در سال ۱۳۲۳ تأسیس شد و علمایی چون آیت‌الله خوانساری در مراسم آن شرکت می‌جستند. هیئت «کربلایی‌های تهران» تأسیس شده در سال ۱۳۴۸ نیز از جمله هیأت گسترده و عظیم پایتخت بود که شعبه‌های مختلفی در نقاط مختلف تهران داشت. منع عزاداری‌ها در دوران پهلوی اول و سپس محدودیت آن در دوره رژیم طاغوت از عواملی بود که منجر به گرایش بیشتر جامعه به حضور در جلسات و محافل مذهبی به عنوان یک نهاد مردمی با رویکرد مذهبی و فرهنگی گردید. همین تشکل‌ها از جمله مهم‌ترین نمودهای حضور مدنی و اجتماعی مردم در شهرها و روستاها و از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بود. مهم‌ترین مصداق این عاملیت، هیئت‌های مؤتلفه اسلامی است. این جمعیت که حاصل ائتلاف هیأت‌های مساجد امین‌الدوله، شیخ‌علی و اصفهانی‌ها در بازار تهران بود، در محرم ۱۳۴۲ و پیش از قیام پانزدهم خرداد، با تأیید امام خمینی (ره) شکل گرفت. همچنین، مؤتلفه اسلامی، دارای شورایی به نام شورای روحانیت بود که رابط میان تشکیلات و حضرت امام به شمار می‌رفت و بر تطبیق فعالیت‌های مؤتلفه با احکام مذهبی نظارت می‌کرد. اعضای شورای روحانیت آیت‌الله مرتضی مطهری، آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی، آیت‌الله انواری و حجت‌الاسلام والمسلمین مولایی بودند. حضور مؤثر روحانیت برای نظارت بر فعالیت‌های هیئت‌های مؤتلفه از جمله مواردی است که در اندیشه سیاسی و اجتماعی امام خمینی به عنوان یک معیار جهت‌آرزیایی پایبندی هیأت به مبانی دینی، پذیرفته شده است. اما این نکته امروزه در هیأت کنونی کمتر به چشم می‌خورد. کاهش حضور تشکیلاتی روحانیت زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که توجه کنیم با گسترش جغرافیایی و جمعیتی هیأت پس از انقلاب اسلامی، این تشکل‌ها نقش محوری‌تری در تجمع و حضور اجتماعی اقشار سنتی و مذهبی ایفا کرده‌اند. افزایش توجه و علاقه جوانان مذهبی و شیفتگان اهل‌بیت به خصوص حضرت سیدالشهدا (ع) نسبت به حضور در مراسم هیئت‌ها و نقش‌آفرینی در اجرای مسئولیت‌های مختلف این محافل، از جمله مهم‌ترین عواملی است که نقش ویژه‌ای را به کارکرد اجتماعی هیأت بخشیده است. اما در عین حال، جدایی تدریجی مراسم‌های مذهبی این هیأت از جغرافیای انسانی مساجد یکی از آسیب‌های اجتماعی مهم در جامعه مذهبی است. با این حال، مطابق آمار «سامانه شهید باقری» درصد روحانیونی که در این هیأت، نقش مدیریت یا حتی سطوحی کمتر عمل‌گرایانه را بر عهده داشته باشند، بسیار اندک است. همین نکته موجب می‌شود آسیب‌های اعتقادی مانند تزریق خرافات و آسیب‌های اخلاقی مانند روابط نامتعارف در میان برخی اعضا شکل بگیرد که وجهه بسیار نامناسبی به این تشکل‌ها خواهد بخشید.

با توجه به داده‌های آماری «سامانه شهید باقری» تفکیک کمی نقش‌های روحانیون در هیأت به این ترتیب است.

میزان حضور روحانیت در هیأت



بسیار پیش از آن نیز آیت‌الله مکارم شیرازی در سال ۱۳۸۷ نسبت به بروز خرافات در برخی محافل مذهبی هشدار داده بودند: «در گوشه و کنار کشور، مجالس و محافلی که معلوم نیست بر چه مبنایی استوار است، برگزار می‌شود و در آن آداب ابداعی عبادت از سوی افراد ناآگاه ترویج می‌شود که اصلاً درست نیست. از جمله مراسمی که نشانه درستی ندارد، ختم سوره انعام است؛ این سوره جایگاه عظیمی در قرآن دارد، ولی این که در لابلای آن، اذکار و اورادی را بیاورند، اصلاً درست نیست». حجت‌الاسلام علیرضا تهرانی، محقق و نویسنده کتاب‌هایی مانند «آشنایی با زندگی چهارده معصوم»، «مجلس گناه، فراموش‌خانه ایمان» و «یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)» طی مصاحبه با شماره ۴۶ نشریه خیمه می‌گوید: «علت اینکه ما گاه شاهد بیان برخی خرافات در هیأت‌های مذهبی متعلق به آقایان و بانوان هستیم این نیست که قواعد ما پاسخگوی مسایل نیستند، بلکه به نظر من مشکل این است که این قواعد توسط اشخاصی بیان می‌شوند که اصلاً صلاحیت پاسخگویی و ورود به این مسایل را ندارند».

دکتر داود میرزایی مقدم، مدیرکل دفتر مطالعات و رصد فرهنگی معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی طی مقاله علمی پژوهشی «آسیب‌شناسی هیأت مذهبی، ساختارشکنی هیأت نوپدید» منتشره در وبسایت رسمی سازمان تبلیغات اسلامی با اشاره به کم‌رنگ شدن نقش روحانیون در هدایت فکری و رفتاری هیأت مذهبی، می‌نویسد: «شبه‌هیئات جدید خود را بی‌نیاز از روحانی و سخت‌مشتاق مداحی، آن‌هم با متدهای جدید، اشعار احساسی و استفاده از الحان ترانه‌های پاپ نشان می‌دهند». وی در علت‌یابی این انحرافات می‌نویسد: «فقدان مرجعیت هنجاری دینی، فقدان نگرش شریعت‌محور و عدم حضور روحانیون، زمینه مناسبی را برای هنجارشکنی در حیطه مسائل دینی، خلاء ارائه الگوهای رفتاری منطبق با دین، محوریت یافتن مداح و پدیده شیفتگی فراهم می‌آورد. از سوی دیگر به دلیل

هنجارشکنی مکانی و عدم برگزاری مجالس در مسجد، تکیه و حسینیه که محل‌های حضور مداوم جامعه متدینین است، کنترل اجتماعی مناسبی بر این هیئات انجام نمی‌شود. به عبارتی این هیئات دارای اسلام عرفی با صفات شاخصی هم‌چون خارج از دایره شرع و عقل، اسطوره‌محور، تصوف‌زده و صوفی‌منش، منفک از سیاست، منفک از شریعت، سهل و منعطف و عوام‌زده هستند». شاید در نگاه اول، این مسئله چندان مهم به نظر نرسد اما باید به آن نگاه بلندمدت داشت و آینده‌ای را در نظر گرفت که این شکاف مختصر و موقتی، تبدیل به نوعی استقلال‌طلبی هیئت‌ها از مساجد می‌شود. تلاش برای رجحان بخشیدن به هیئت در مقابل مسجد و تفکیک این دو از هم، تلاشی ست که می‌توان رد پای آن را در سال‌های اخیر مشاهده کرد. در مواردی دیده شده اختلاف نظرها و اعمال سلیقه‌های شخصی در بین اعضای هیئت امنای مسجد یا مؤسسان و فعالان هیئت مذهبی، موجب خروج مسئولان هیئت و تشکیل جلسات در بعضی محافل خانگی یا سالن‌های ورزشی شده است. این نکته به مرور زمان موجب می‌شود اعضا و مخاطبان هیئت مذهبی برای اجرای فرایض دینی مانند نماز و اعتکاف نیز به مسجد مراجعه نکنند.

آسیب‌ظاهری این نکته، کاهش مخاطبان مسجد و خدشه بر وجهه مهم‌ترین مکان مقدس جامعه اسلامی است که در قرآن از آن تحت عنوان بیت‌الله یاد شده است. اما آسیب مهم‌تر این مسأله، جدایی تدریجی مخاطبان هیئت از حضور مؤثر روحانیون و ائمه جماعات مساجد است که نقش بی‌بدیلی در هدایت و نظارت فقهی، اخلاقی و فرهنگی نسل جوان و علاقه‌مندان مکتب اهل بیت دارند. به مرور زمان، اعضای هیئت در محل تشکیل جلسات مذهبی به اقامه نماز جماعت یا برگزاری دیگر اعمال و مناسک شیعی می‌پردازند و این راه را بر بروز برخی انحرافات و خودسری‌ها در تشخیص‌های فردی و غیرعلمی و غیرفقهی می‌گشاید. حال آن‌که حضور توامان مخاطب هیئت در مسجد به عنوان مرکز ثقل و به تعبیر حضرت امام (ره)، سنگرهای جامعه، ضمن انجام واجبات الهی، امکان شناخت بهتر سیره شهدای عاشورا و آشنایی با معارف اهل بیت را به نحو احسن فراهم می‌سازد. به گونه‌ای که از وقوع برخی آسیب‌هایی که در مراسم عزاداری هیأت، مداحی‌ها یا روضه‌های ائمه معصومین (ع) بروز نموده و موجب وهن تشیع می‌شود نیز جلوگیری به عمل می‌آید. بدین ترتیب امکان نظارت روحانیت بر هیأت نیز به وجود می‌آید، علاوه بر این که امکان ارتباط بیشتر روحانیون با مخاطبان اصلی‌شان در اقصای مذهبی و انقلابی نیز بیش از پیش ممکن می‌شود و از انحرافات فکری و اخلاقی که بدون نظارت علمای دینی در هیأت رخ می‌دهند نیز پیشگیری می‌شود.

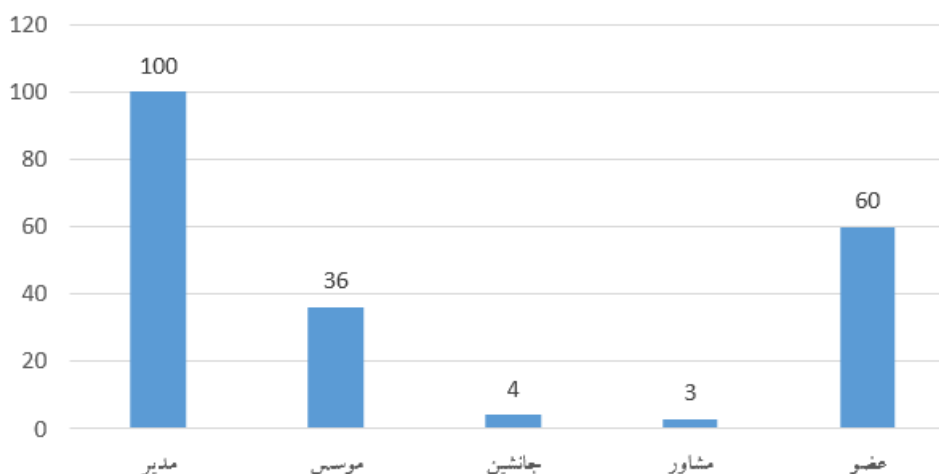
به جز بعضی اختلاف سلیقه‌های شخصی، گسترش کمی تعداد هیأت نیز از دیگر عوامل جدایی هیأت از روحانیون تلقی شده است. زیرا با افزون شدن آمار هیأت، امکان حضور روحانی خاص به مثابه مدیر یا مربی در همگی این هیأت، نیز به سهولت میسر نیست. حال آن‌که حضور این هیأت در مساجد محلات امکان بهره‌مندی تشکلهای مختلف از امام جماعت یا طلاب مرتبط با مسجد فراهم می‌شود و بیش از این شاهد افزایش هیئت‌های مذهبی خانگی و فعالیت آنان و در نتیجه، خالی شدن مساجد نخواهیم بود. لازم است ضمن سعه صدر مسئولان مساجد جهت حضور، از افزایش تعداد

هیأت جلوگیری و بیشتر بر تقویت وجوه معنوی و فرهنگی آنها تأکید شود. حجت الاسلام والمسلمین جعفر واضحی آشتیانی از اساتید حوزه علمیه قم در این باره می گوید: «ام سلمه، همسر پیامبر پس از شهادت امام حسین (ع) در واقعه عاشورا به مدت ۳ شبانه روز در مسجد النبی (ص) عزاداری برپا کردند. اصل هیئت باید در مسجد باشد و اینکه اهل بیت (ع) تأکید داشتند که در خانه و مسجد هیئت ها تشکیل شود به این دلیل بود که اشخاص حاضر در هیئت های خانگی از این مسیر وارد مسجد شوند. این تفکر که هیئت ها باید از مساجد جدا شوند و به حسینیه ها برود از جانب هر کسی که باشد غلط است چرا که بزرگان ما تأکید داشتند مراسمات باید در مساجد برگزار شود و حسینیه ها را فقط برای حفظ حرمت مساجد در مجالس شادی ساختند. وقتی هیئت در مسجد تشکیل شود آفات آن کمتر می شود چرا که در مسجد عالم وجود دارد و برای هر مسئله ای که داشته باشند نظر می خواهند». این سخن به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن اهمیت مکانی حسینیه ها و مهدیه ها نیست. بلکه بایست جایگاه هر جغرافیای فرهنگی با توجه به کارکرد و اهمیت ذاتی آن درک شود. و محوریت مسجد در جامعه اسلامی به مراتب مهم تر از دیگر مکان های فرهنگی است.

یکی دیگر از مواردی که در این گزارش می بایست مورد توجه قرار گیرد، نقش آفرینی اندک روحانیت در مدیریت تشکل های قرآنی است. شاید این نکته شنیدنی باشد که سال گذشته، مهدی قره شیخ لو رییس سازمان دارالقرآن کریم کشور تعداد تشکل های قرآنی کشور را حدود ده هزار عدد بیان کرد و گفت: ۹۹ درصد این تشکل ها مشکل مکان برای فعالیت دارند. طبیعی است وقتی بسیاری از محافل قرآنی صرفاً در جلسات خانگی یا مکان های اجاره ای شخصی تشکیل شود، به ندرت خبری از حضور یک مربی قرآنی روحانی یا کارشناس دینی خواهد بود. حال آن که اگر مساجد امکان تشکیل جلسات قرآنی برخی تشکل ها را فراهم کنند، می توان با نظارت علمای دینی از بروز انحرافات فکری و عقیدتی یا اخلاقی در این جلسات جلوگیری نمود. فقدان نظارت و مدیریت علمی و اخلاقی عالمان و کارشناسان قرآنی بر این تشکل ها موجب اعمال تفاسیر سلیقه ای از قرآن و کج روی های اعتقادی می شود. علاوه بر انحراف های فکری ممکن است برخی سودجویان و مغرضان به واسطه تسلط بر بعضی مفاهیم و اصطلاحات قرآنی، موجب اغفال و سوء استفاده از علاقه و اعتقاد برخی مخاطبان ساده دل شوند. امری که نه فقط باعث طرد مخاطبان عمومی معارف قرآنی خواهد شد بلکه وجهه آموزگاران قرآن و کارشناسان تخصص های مختلف مانند قرائت، تفسیر، ترجمه و امثالهم را خدشه دار می کند.

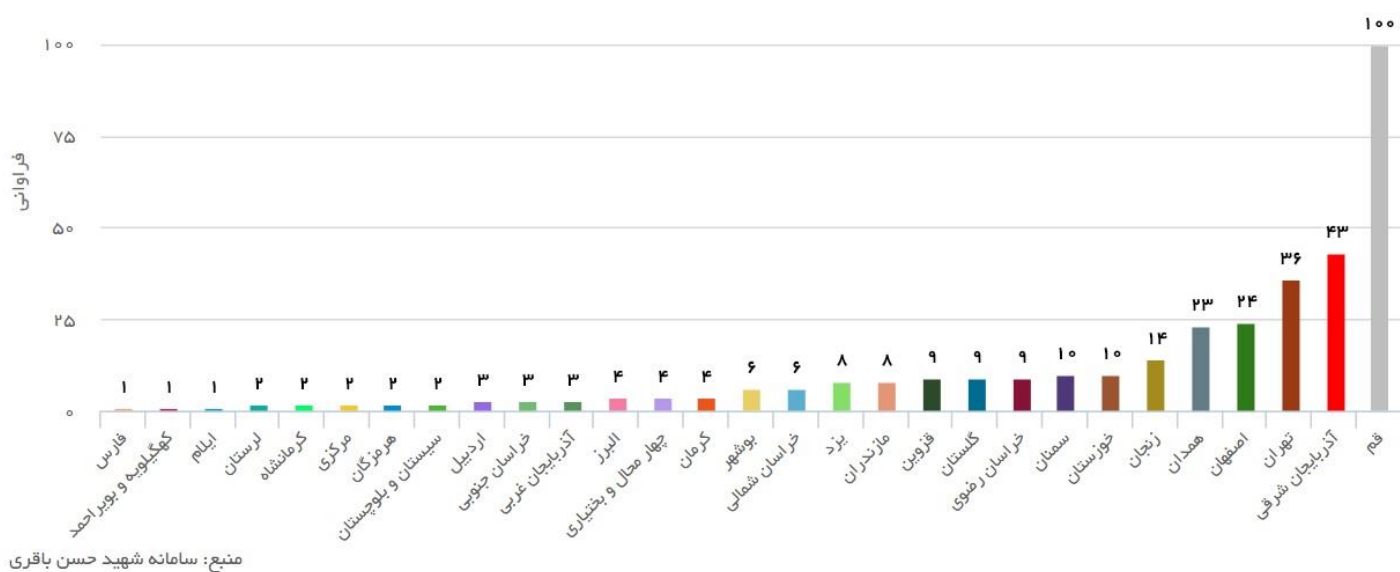
هم چنین میزان این نقش ها در خصوص تشکلهای قرآنی به این شکل است.

میزان حضور روحانیت در تشکلهای قرآنی

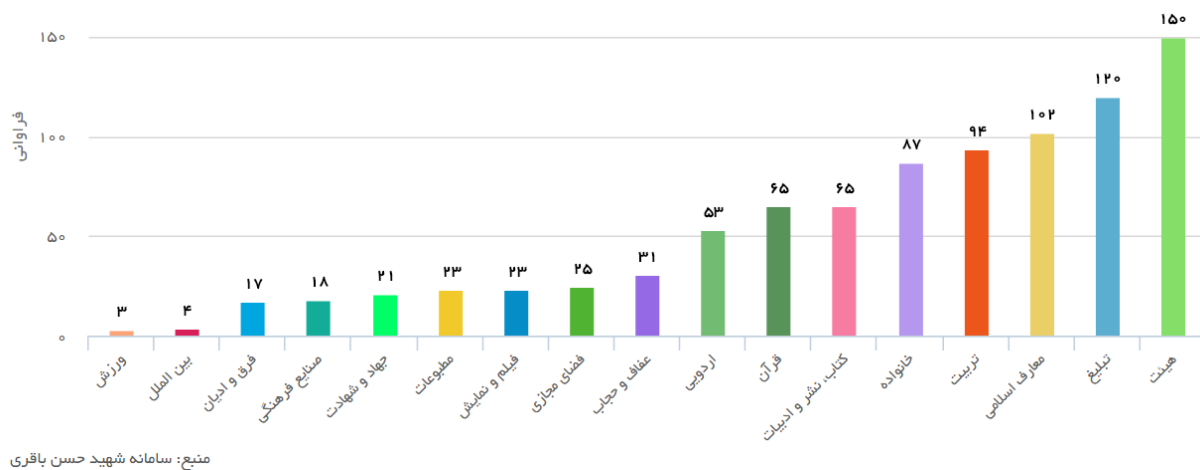


علاوه بر موارد مذکور، می توان به مهاجرت گسترده طلاب به قم برای تحصیل علوم دینی به عنوان یکی از علل کاهش نقش روحانیت در مجموعه های فرهنگی استان ها و شهرستان ها اشاره داشت. یکی از دلایل ظاهری این امر شاید رغبت به حضور در سلسله دروس خارج فقه و اصول حوزه علمی قم باشد. این در حالی است که امروزه به جز قم، در تهران، مشهد، اصفهان، خوزستان، اردبیل، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، مازندران، گلستان، یزد، کردستان، سمنان، زنجان، قزوین، یزد، بوشهر، فارس، چهارمحال و بختیاری، مرکزی، لرستان و همدان نیز کلاس درس خارج برگزار می شود. با این حال، تعداد طلاب درس خارجی که در سامانه به عنوان فعال فرهنگی ثبت شده اند به جز در قم، بسیار اندک است. حتی اگر گفته شود این طلاب در صدد حضور در تدریس درس خارج فقه و اصول برخی مراجع تقلید و علمای مشهور و میرز حوزه قم هستند، باز هم می توان با توجه به گسترش رسانه های ارتباطی، به محتوای گفتاری و نوشتاری این دروس دست یافت. علاوه بر آمار طلاب درس خارج، آمار کلی تعداد روحانیون فعال فرهنگی نیز نشان گر تمرکز بیش از حد مجتهدان و طلاب دروس اسلامی در قم می باشد. این تمرکزگرایی از علل اصلی کاهش حضور روحانیون در شهرستان ها و استان های حاشیه ای است. هر چند طبق آمار «سامانه شهید باقری» بیشترین فعالیت تخصصی فرهنگی روحانیون و طلاب در موضوعات «هیئت»، «تبلیغ»، «معارف اسلامی» و «تربیت اسلامی» است، ولی این فعالیت ها نه به عنوان یک هادی ناظر بلکه به مثابه یک واعظ است که گاه گاهی به مناسبت های مذهبی و فرهنگی در این مجموعه ها حاضر شده و به سخنرانی، وعظ، تفسیر یا تدریس می پردازند. این نکته از تعداد اندک روحانیونی که فعالیت جدی و ثمربخشی در مجموعه های فرهنگی دارند، هویداست.

اکنون ۳۱۴ طلبة درس خارج نیز شناسایی شده‌اند که به صورت زیر در استان‌های مختلف، حضور دارند.



تخصص‌های فرهنگی این طلاب نیز بدین ترتیب است.



با توجه به این که حوزه‌های علمیه از مهم‌ترین پایگاه‌های رشد و تقویت روحانیت شیعه می‌باشد، **تقویت و تشکیل هیأت‌های حوزه‌محور** از راهکارهایی است که می‌تواند ضمن افزایش پیوند عالمان دینی با مخاطبان و فعالان هیأت‌های مذهبی، از بروز آسیب‌های اجتماعی و عقیدتی جدایی روحانیت و هیأت نیز اجتناب ورزد. یکی از بهترین مصادیق این تشکل مذهبی، هیأت حوزه علمیه فیلسوف‌الدوله تهران است. این حوزه علمیه در سال ۱۳۶۸ توسط مرحوم آیت‌الله حق‌شناس تأسیس شد. این حوزه در پیوند با مسجد امین‌الدوله تأسیس شد که مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی، استاد حضرت امام (ره)، امام جماعت آن را بر عهده داشتند. پس از فوت مرحوم شاه‌آبادی، مرحوم شیخ محمدحسین زاهد و سپس آیت‌الله حق‌شناس مدیریت این مسجد را عهده‌دار شدند. در حال حاضر، تولید حوزه فیلسوف‌الدوله با حجت‌الاسلام سید میرهاشم حسینی می‌باشد. هیأت مذهبی این حوزه دارای جمعیت فراوانی است و در ایام عزاء و شادی ائمه هدی (علیهم‌السلام) از جمله مکان‌هایی است که مورد رجوع بسیاری از شیفتگان مکتب اهل بیت قرار می‌گیرد. حضور هم‌زمان یک جوان در هیئتی که متولیان، فعالان و حتی عمده مخاطبانش طلاب و مجتهدین جوان باشند، ضمن ایجاد علقه‌های فردی و اجتماعی میان دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه با جوانان مذهبی و بعضاً اقشار غیرانقلابی که به واسطه شیفتگی و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت در هیأت حضور می‌یابند؛ بر دامنه افزایش آگاهی‌ها و شناخت جوانان نسبت به معارف اهل بیت بیفزاید و از سوی دیگر، اطلاع طلاب و روحانیون از نیازمندی‌های واقعی جامعه و به خصوص نسل جوان نیز به روز خواهد شد. علاوه بر این افزایش نقش آفرینی اجتماعی حوزه‌ها و مدارس علمیه‌ای که در سطح شهرستان‌ها قرار گرفته‌اند نیز می‌بایست مد نظر باشد. با تشکیل برخی جلسات اجتماعی مانند هیأت و یا مراسم‌هایی مانند خیریه و امثالهم در حوزه‌های علمیه، نگرش عامیانه‌ای که این مکان را تنها محلی برای آموزش فقه و اصول می‌داند، بهبود می‌یابد.

با توجه به این که فقدان رفتارهای فردی و اجتماعی مناسب سبب‌ساز عدم ارتباط‌گیری بعضی طلاب و روحانیون با اقشار مختلف اجتماعی بوده است، لازم است در این خصوص نیز تدبیری اندیشیده شود. اگر بعضی از دستداران علوم دینی به واسطه کسب تحصیلات فقهی، شأنیت بالایی بیشتر از اقشار عادی برای خود متصور هستند، لازم است با **آموزش‌های لازم و تقویت وجوه رفتاری و اخلاقی**، این کاستی برطرف گردد. این مسأله خود مقوم بهبود روابط اجتماعی روحانیت با فعالان فرهنگی است و در عین حال، افزایش این ارتباط و تشکیلاتی‌تر شدن آن؛ خود به اصلاح بعضی رفتارها و منجر خواهد شد.

تشکیل محافل و جلسات دینی در مدارس با حضور مربیان آموزش دیده در حوزه‌های علمیه و طلاب جوان ضمن آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با معارف قرآن و اهل بیت، موجب ایجاد روابط صمیمانه روحانیون با نوجوانان نیز می‌شود و با توجه به نیازهای خاص این نسل و این بازه سنی می‌توانند در رشد و آگاهی بخشی به آنان نیز موفق شوند.

با گسترش ارتباط گیری طلاب و مجتهدین با آشنایی آنها با گروه‌های مردم نهاد، می‌توان نسبت به افزایش نقش آنها به مثابه عضو، مشاور، راهنمای فکری و فقهی یا حتی در مواردی جانشین و مدیریت نیز امیدوار بود. این ارتباط دوسویه هم در اصلاح موقعیت و منزلت اجتماعی روحانیت و طلاب اثر خواهد داشت و هم در جلوگیری از انحرافات فرهنگی و فکری جامعه. به بیان دیگر، نه تنها از جنبه سلبی، مانع انحراف خواهد شد بلکه از جنبه ایجابی، سبب افزایش اثرگذاری محتوای فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی می‌گردد. با نظارت عالیه روحانیت، محتوای کیفی آموزه‌های مذهبی در هیأت اعم از وعظ، روضه یا مداحی‌ها به طور محسوسی بهبود می‌یابد و روش‌های آموزشی قرآن و تفسیر و تأویل آن در تشکلهای قرآنی نیز به مراتب بهتر از مواردی خواهد بود که علمای دینی آموزش قرآن را بر عهده نداشته باشند.

افزایش حضور روحانیت در مجموعه‌ها در نقش‌های مختلف، سبب محوریت یافتن مساجد و حوزه‌های علمیه نیز می‌شود. در سنت اسلامی، مسجد نه فقط محل عبادت و مناجات بلکه محل اجتماع مسلمین و برقراری جلسات مشورتی و هم‌یاری جهت اتخاذ تصمیمات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده است. بنابراین لازم است تا بار دیگر این مرکز ثقل جامعه اسلامی احیا شود. اولین قدم در این زمینه بازگشت تجمعات و تشکلهای مذهبی و فرهنگی به دامن مساجد است. حضور در مسجد اولین قدم برای حضور مؤثر اجتماعی روحانیت است و این ممکن نیست مگر با توسعه کیفی فعالیت‌های مسجد به امور روزمره و ملموس زندگانی اجتماعی مردم. **مسجدمحور شدن فعالیت‌های فرهنگی** با توجه به محوریت شخص امام جماعت و روحانیت، یکی از نتایج تبعی حضور مؤثر طلاب و فقها در مجموعه‌های فرهنگی است زیرا شرف‌المکان‌المکین. مسجدمحوری نه فقط نتیجه تبعی افزایش نقش مدیریتی یا مشاورتی روحانیون در مجموعه‌های فرهنگی است بلکه در ادامه، سبب بهبود کمی و کیفی ارتباط علما با فعالان فرهنگی نیز می‌گردد و از محتوای فعالیت‌های فرهنگی در مقابل آسیب‌های احتمالی صیانت می‌کند.

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت طلبی و قدرت نمایی و سوءاستفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه اش غیرقابل جبران است.

امام خامنه ای، ۱۳۸۹/۴/۲۰

